

(21)

هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار

ای امین بعنایت رب العالمین بافق مبین فائز شدی و باشراقات انوار جمال قدم در این نیر ایام موفق گشتی امر در قبضه قدرت حق بوده و خواهد بود بسا از نفوس را بعد از اقبال از ادنی مقام باعلی ذروه امتناع که مقر تجلی انوار وجهت کشاند و بافق ابهی رساند و بعضی را از اعلی علو بما اکتسبت ایدیهم به پست ترین مقام مقر دهد انه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید نیکوست حال نفسیکه از کأس انقطاع در ایام مالک ابداع نوشید و بخلوص تمام بخدمت سلطان انام قیام نمود چنانچه مشاهده مینمائی که بعضی از افق انقطاع بشأنی طالع شده‌اند که جز حق را مفقود و معدوم شمرده‌اند و از ما عندهم لما عند الله گذشته‌اند این نفوس اگر چه اقل از کبریت احمر بوده و خواهند بود و لکن در این ایام بفضل رحمانی و عنایت ربانی معدودی مشاهده میشوند که بکمال همت در خدمت امر کمر بسته‌اند قدر این نفوس الیوم معلوم نه و لکن و نفسی الحق یجعلهم الله فی الظاهر و الباطن مرجع کل ذکر خیر انه لهو المقتدر القدير من قبل المظلوم جمیع احباب را تکبیر برسانید وصیت مینمایم جمیع بریه را بر استقامت بر امر و دیانت و امانت که لم یزل و لایزال محبوب بوده طوبی لمن زین هیكله بقمیص الامانة باید کل باین قمیص منیر فائز شوند تا جمیع من علی الارض از عمل احبای حق مهتدی گردند نفس عمل خیر هادی عباد بوده چنانچه مشاهده شد که از بعضی از احبای الهیه که بعضی اعمال حسنه ظاهر بنفس آن اعمال

ناس اقبال نمودند و بشاطی بحر احدیه متوجه شدند شیئی بی رائحه خلق نشده از برای کل اشیا عرفی بوده و خواهد بود طوبی لنفس یتضوع منها عرف قمیص التقدیس انها من خیرة الخلق لدی الحق ان ربک لهو العلیم الخبیر نعیم لک یا امین بما اقبلت و دخلت و حضرت و فزت و رأیت و سمعت نداء ربک العلی العظیم باید بحرارت محبت الهی در هر بلدی چنان ظاهر و مشتعل باشی که کل از آن حرارت بحرکت آیند و بقلوب بشطر محبوب توجه نمایند چه که سبیل رجل مقطوعست بما اکتسبت ایدی الظالمین ای امین علت حرکت حرارت بوده و علت حرارت کلمة الله لذا باید احباء بنار کلمه الهیه عباد را از شمال ظنون بیمین یقین کشانند و از حرارت کلمه ربانیه چنان بحرکت آیند که از عوالم نفسیه فانیه بمعارج منیعه باقیه عروج نمایند ای امین اگر ناس باآداب و اخلاق ربانیه که در الواح منزله ثبت شده عامل میگشتند هر آینه مشاهده مینمودی من علی الارض را مقبلا الی الله ربک و رب العالمین و مقام تقدیس و تنزیه و اقبال و قرب و لقا با امورات ظاهره منافات نداشته و نخواهد داشت در این ظهور اعظم کل بکسب و اقتراف و صنائع متوکلا علی الله المهیمن القیوم مأمورند و این حکم در الواح مؤکدا نازل طوبی لمن فاز بما امر من لدن ربه الحکیم العلیم

افرح يا امين بما زيناك بقميص الامانة ثم احفظ هذا المقام قل لك الحمد يا اله العالمين نسئل الله ان يوفقك في كل الاحوال و يؤيدك على ما اراد انه ولي المحسنين ببعضى از بلايای اين مسجون مطلع شده ای بر هر ذی بصرى مبرهن است که در بحر بلايا منغمسيم و تحت ايادى ظالمين جالس چه که با احدی از اعلى العباد من اهل الظاهر و ما دونهم مدهانه در امرالله ننموديم چنانچه از الواح منزله که برؤسای ارض ارسال شده مستفاد ميشود لذا بر هر منصف بصيرى واضح و معلوم است که جميع آن نفوس سرا با کمال کين در قصد اين ناطق مبین بوده و هستند و مع اين امور در کل احيان ناس را بحق خوانده و ميخوانيم اگر اقل من آن ناس در ما ظهر تفکر نمايند بيقين ميدانند که اين امر بقدره الله ظاهر شده و بکمال سلطنت و اقتدار الهيه باهر گشته و ابا باسایش و راحت و خلاصی خود ناظر نبوده و نخواهد بود مثل او مثل عندليبي است که تحت مخالط ظلم گرفتار شده ای اهل ارض بشنويد ندای اين مظلوم را که خالصا لوجه الله ندا مينمايد و قدری در دنيا و حوادث و عواقب آن تفکر نمايند و همچنين در ما اشرق من افق الامر و ما ظهر فى ايامه شايد اينقدر ادراک نمايند که صاحب ندا لله ميفرمايد و بامرالله تکلم مينمايد تا از نعاق غافلين و ظنون متوهمين چه نفوسیکه باسم حق مذکورند و چه دون آن از مقامات باقيه ممنوع و محروم نمايند اين مسجونرا مثل هدف مشاهده نمايند و از جميع اطراف سهام متواليا متواترا بر او ميآيد و لکن از عنايت الهيه تا حال محفوظ مانده و بعد الامر بيده انى احب ما احبه و اريد ما اراده و اشتاق ما قضى الله لى لان ما يظهر من عنده هو محبوبى و محبوب قلبى انه خير لى انه لهو الغفور الرحيم

ای امين آنچه در حضور القا شد بايد بکمال حکمت معمول داری اذا تمر على البلاد قل يا الهى و سيدى و محبوب فؤادى و رجاء قلبى و المذكور فى ظاهرى و باطنى اسئلك باسمك الذى انفق نفسه فى سبيلك و حمل البلايا فى حبك و اظهار امرک ان ترسل على هذه الديار نجات قميص رحمتك و الطافك اى رب هؤلاء عبادك و هذه ديارك و لو انهم احتجبوا باهوائهم و بها منعوا عن التوجه الى شطر فضلک و الاقبال الى كعبة عرفانك و لکن انت الذى سبقت رحمتك الكائنات و احاط فضلک الممكنات اسئلك باسمك الباطن الذى ظهر بسلطانك و جعلته مهيمنا على من فى ارضك و سمائك ان لا تدع هؤلاء باهوائهم انزل عليهم ما يجعلهم مقبلين الى شطر عنايتك و ناظرين الى وجهك فانظر اليهم يا الهى بلحظات رحمانيتك و خذ اياديهم بقدرتك و سلطانك اخرج يا الهى من جيب عنايتك يد قدرتك و بها اخرج الحجابات التى حالت بينهم و بينك ليسر عن كل الى شريعة قريبك و يطوفن حول ارادتك و مشيتك لو تطردهم من يخلصهم من النار يا نور السموات و الارضين و حسب الامر هر يك از احباى الهى را ملاقات نمودى متوجها الى هذا الشطر البته من قبل الحق امر برجوع نمايند چه که امر اين ارض بسيار صعب شده و بى اذن هم حاصلی نخواهند برد

اینست حکم محکم امریه که از قلم اراده باذن مالک بریه جاری شده و البهآء علی من اتبع
الحق و سمع ما امر به